

## رویکرد همگرایی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با کشورهای آسیای مرکزی (مطالعه موردی همگرایی امنیتی - فرهنگی ایران و تاجیکستان)

نویسنده: مهرشاد شبابی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۷/۱۸

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۸/۱۶

صفحات مقاله: ۱۰۱-۱۱۹

### چکیده

با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی دگرگونی‌های مهمی در ساختار نظام بین‌الملل به وجود آمد که از مهم‌ترین آن‌ها تغییر نظام دو قطبی و تلاش آمریکا برای ایجاد نظام تک قطبی بود. در موقعیت جدید، همگرایی منطقه‌ای به عنوان یکی از بهترین راه‌کارها برای مقابله با استقرار نظام تک قطبی مورد توجه قرار گرفت.

در این میان منطقه‌ی آسیای میانه از مهم‌ترین مناطقی بود که مورد توجه کشورهای به‌ویژه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفت. کشف ذخایر عظیم نفت و گاز در دریای خزر نیز بر اهمیت این منطقه افزود.

رقابت قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا، چین و روسیه و قدرت‌های منطقه‌ای تأثیرگذار مانند ج.ا.ا و ترکیه این منطقه را به میدان بزرگ رقابت‌های اقتصادی - امنیتی و فرهنگی با رویکرد همگرایی با کشورهای منطقه تبدیل نموده است. در این مقاله، ضمن پرداختن به تلاش‌های صورت پذیرفته در این راستا، همگرایی امنیتی - فرهنگی ج.ا.ا و تاجیکستان مورد بررسی قرار گرفته است.

۱ - عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع).

## کلید واژگان

کشورهای آسیای میانه، اتحاد شوروی، روسیه، قدرت‌های فرامنطقه‌ای، ج.ا.ا و تاجیکستان، همگرایی؛ فرهنگی - تاریخی - امنیتی

در چند دهه اخیر مفهوم همگرایی در متون علوم سیاسی کاربرد زیادی یافته است. پس از جنگ جهانی دوم، مفهوم همگرایی به صورت جدی مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفت. در این میان، کشورهای اروپای غربی همگرایی منطقه‌ای را در اولویت برنامه‌های خود قرار دادند که بازار مشترک اروپا و تبدیل آن به اتحادیه اروپا، نتیجه این تلاش آنها بود.

اما با پایان یافتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد شوروی، دگرگونی‌های مهمی در ساختار نظام بین‌الملل به وجود آمد که مهم‌ترین آنها، تغییر نظام دوقطبی و تلاش آمریکا برای ایجاد نظام تک‌قطبی بود. در موقعیت جدید، همگرایی منطقه‌ای به عنوان یکی از بهترین راه‌کارها برای مقابله با نظام تک‌قطبی آمریکا مورد توجه دولت‌ها قرار گرفت. از این رو، شکل‌های مختلف همگرایی منطقه‌ای در بخش‌های مختلف میان کشورها به وجود آمد و کشورها کوشیدند براساس منافع مشترک، در حوزه‌های مختلف با هم همکاری کنند.

در این میان، منطقه آسیای مرکزی از جمله مهم‌ترین مناطقی بود که به خاطر ویژگی‌ها و منابع و موقعیتی که از آن برخوردار بود، مورد توجه کشورها قرار گرفت که هر یک می‌کوشیدند در جهت همگرایی با جمهوری‌های استقلال یافته گام بردارند. در این راستا، مطالب این نوشتار در سه بخش تقسیم‌بندی شده است که عبارتند از:

الف) اهمیت و جایگاه منطقه آسیای مرکزی و جمهوری‌های استقلال یافته

ب) منطقه آسیای مرکزی و رقابت کشورها برای همگرایی

ج) همگرایی اقتصادی و فرهنگی ایران و تاجیکستان

### الف) اهمیت و جایگاه منطقه آسیای مرکزی و جمهوری‌های استقلال یافته

از لحاظ ژئواکونومیک قزاقستان سرزمینی است وسیع با جمعیت کم، سرشار از منابع نفت، گاز، طلا، اورانیوم، مس و دیگر معادن. ترکمنستان، دارای ذخایر عظیم نفت و گاز است، ازبکستان با جمعیت قابل ملاحظه، دارای پنبه و طلاست، قرقیزستان دارای ذخایر عظیم آب است و بالاخره تاجیکستان دارای منابع طلا می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

از نظر ژئواستراتژیکی نیز آسیای میانه از یک سو، محل اتصال اروپا و آسیا و به تعبیری اسلام و مسیحیت است و از سوی دیگر، در گوشه‌ای از آن قدرتی در حال ظهور یعنی چین قرار گرفته، در شمال آن قدرت هژمون سابق یعنی روسیه جای گرفته، در غرب آن نیز ترکیه (دولتی سکولار که هدفش سلطه منطقه‌ای است)، ایران (یک دولت اسلامی که به دنبال نفوذ منطقه‌ای است) و افغانستان (که کشوری دستخوش بی‌ثباتی است) قرار دارد و بالاخره این که قدرتی خارج از این منطقه یعنی ایالات متحده آمریکا خواستار نفوذ و هم‌چنین تسلط بر آن است.<sup>(۲)</sup>

افزون بر این، موقعیت و جایگاه دریای خزر نیز بر اهمیت این منطقه افزوده است. اهمیت دریای خزر با توجه به منافع نفتی اهمیت روزافزونی یافته است. براساس برآورد اداره اطلاعات انرژی آمریکا که در سال ۲۰۰۲ منتشر شد، ذخایر نفتی شناخته شده دریای خزر چیزی در حدود ۱۸ الی ۳۴ میلیارد بشکه است. براساس برآوردهای احتمالی ذخایر نفتی آن در حدود ۲۵۰ الی ۲۷۰ میلیارد بشکه برآورد شده است که در این صورت یک سوم ذخایر نفت خاورمیانه را تشکیل می‌دهد. ذخایر گاز طبیعی دریای خزر در حدود ۱۷۰ میلیارد متر مکعب توسط اداره اطلاعات انرژی آمریکا برآورد شده است<sup>(۳)</sup>؛ این در حالی است که براساس برآوردهای احتمالی، ذخایر گازی دریای خزر در حدود ۲۴۳ الی ۲۴۸ میلیارد متر مکعب است. در این میان، ترکمنستان و قزاقستان از نظر داشتن ذخایر گازی در فهرست ۲۰ کشور برتر گاز جهان قرار می‌گیرند و ازبکستان که نزدیک دریای خزر قرار دارد، از ذخایر گاز قابل توجهی برخوردار است.<sup>(۴)</sup>

### ب) منطقه آسیای مرکزی و رقابت کشورها برای همگرایی

به دلیل اهمیت و جایگاهی که منطقه آسیای مرکزی و جمهوری‌های مستقل از آن برخوردار هستند، این منطقه پس از فروپاشی اتحاد شوروی به قلمروی برای رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بر سر همگرایی با کشورهای تازه استقلال یافته تبدیل شد. در این راستا، نوعی «بازی بزرگ»<sup>(۵)</sup> میان روسیه، ایران، ترکیه، آمریکا و برخی کشورهای دیگر بر سر منافع اقتصادی (دستیابی به منابع انرژی در منطقه) و سیاسی (نفوذ و تسلط بر منطقه) شکل گرفت و هر یک از این کشورها در جهت تأمین منافع خود، سیاست‌ها و خط‌مشی‌هایی را در راستای همگرایی میان خود و این کشورها، در دستور کار قرار دادند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

#### ۱ - سیاست روسیه

روسیه در ابتدا به سبب سیاست توجه به غرب، جهت‌گیری سیاست خارجی خود را از آسیا و خاورمیانه به غرب سوق داد، اما چندی نگذشت که بار دیگر به آسیای مرکزی توجه نمود.<sup>(۶)</sup> در واقع، مهم‌ترین دغدغه‌های روسیه در آسیای مرکزی این بود که نفوذ سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی خود را در منطقه بدون این که بار اضافی بر منابع اقتصادی‌اش تحمیل شود، حفظ کند.<sup>(۷)</sup> می‌توان گفت که روسیه در آسیای مرکزی به دنبال تحقق این اهداف بود: ۱) منافع اقتصادی از طریق بهره‌برداری از منابع منطقه به‌ویژه نفت، گاز و مواد خام، ۲) منافع قومی - فرهنگی از طریق حدود ۱۰ میلیون نفر اقلیت روسی تبار ساکن در منطقه<sup>(۸)</sup>، ۳) منافع نظامی - راهبردی از طریق منع بی‌ثباتی و منازعه در منطقه و هم‌چنین تسلط بازیگران خارجی و ۴) منافع سیاسی از طریق مقابله با گسترش اسلام‌گرایی افراطی در منطقه.<sup>(۹)</sup>

## ۲- سیاست ایالات متحده

چالش پیش‌روی سیاست آمریکا در یک‌دهه پس از فروپاشی شوروی در آسیای مرکزی، متمرکز بر این کشور، یعنی افزایش نفوذ روسیه و ایران در منطقه قرار داشت. از این‌رو، محور اصلی سیاست ایالات متحده بر مهار روسیه از یک‌سو و ایران از سوی دیگر قرار گرفت<sup>(۱۰)</sup> تا جایی که دولت کلینتون تصمیم گرفت تا روابط کشورهای منطقه با متحدان خود به‌ویژه ترکیه و رژیم صهیونیستی را تقویت نماید و از این‌رو، دست این دو کشور برای نفوذ در منطقه باز گذاشته شد. به دنبال افزایش تحرکات روسیه در منطقه، ایالات متحده در جهت جلوگیری از برقراری مجدد هژمونی روسیه بر آسیای مرکزی بر آن شد تا کشورهای تازه استقلال‌یافته را به اردوگاه غرب متصل نماید. از این‌رو، ضمن ایجاد پایگاه‌های نظامی در این کشورها، شمار زیادی از شرکت‌های چندملیتی آمریکایی را وارد عرصه‌های اقتصادی این کشورها نمود.

## ۳- سیاست ترکیه

از جمله مهم‌ترین دلایل توجه خاص ترکیه به مناطق مجاور خود به‌ویژه کشورهای آسیای میانه، فروپاشی اتحاد شوروی و تغییر ماهیت تهدیدهای امنیتی از تهدیدهای خارجی به تهدیدهای داخلی و هم‌چنین ایجاد فرصت‌های جدید در منطقه آسیای مرکزی بود.<sup>(۱۱)</sup> وجود پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی، قومی و زبانی میان ترکیه با برخی دولت‌های تازه استقلال‌یافته شوروی، این فرصت را به ترکیه داد تا در جهت گسترش نفوذ خود در منطقه اقدام نماید. از این‌رو، ترکیه با اعلام این که «برادر بزرگ‌تر» کشورهای ترک زبان منطقه (آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و ازبکستان) است، با شور خاصی به قصد نفوذ در منطقه وارد صحنه شد. از طرفی، ایالات متحده با انگیزه جلوگیری از گسترش و تسلط بنیادگرایی اسلامی، کشورهای منطقه را به اتخاذ مدل ترکیه (دموکراسی

سکولار همراه با اقتصاد لیبرال) به جای مدل‌های دیگر، به‌ویژه مدل ایران، ترغیب نمود. ولی ترکیه متوجه این مسأله بود که نمی‌تواند منافع روسیه و ایران را در منطقه نادیده بگیرد؛ از این‌رو، سیاست این کشور در جهت عدم رویارویی و درگیری با این دو کشور معطوف گردید. (۱۲)

#### ۴ - سیاست چین

چین در منطقه به‌ویژه در آسیای مرکزی دارای ملاحظات اقتصادی و امنیتی است. از لحاظ اقتصادی، به‌سبب وابستگی روزافزون چین به انرژی (نفت و گاز)، این کشور به‌دنبال توسعه روابط با کشورهای نفتی منطقه است. هم‌چنین تجارت میان چین و منطقه می‌تواند برای این کشور بسیار سودآور باشد. از سوی دیگر، چین دارای دغدغه‌های امنیتی متعددی در منطقه است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: (۱) مسائل قومی (۲) مسائل مذهبی و (۳) مسائل نظامی - سیاسی. نخست این‌که به‌سبب حضور اویغورها در استان سین‌کیانگ چین و نهضت جدایی‌خواهانه آن‌ها که دارای هواخواهان و طرفدارانی در چین و قزاقستان است، چین نگران بی‌ثباتی در این استان است. دوم این‌که چین نگران نفوذ اسلام‌گرایی از طریق آسیای مرکزی به داخل سرزمین‌های مسلمان‌نشین این کشور است. سوم این‌که نوعی رقابت میان روسیه، آمریکا و چین در منطقه شکل گرفته است، به‌ویژه آنکه مسأله گسترش ناتو نیز از سوی ایالات متحده دنبال می‌شود. از این‌رو، چین به‌دنبال تحقق نیافتن چنین وضعیتی برای برقراری ثبات در منطقه است. (۱۳)

#### ۵ - سیاست جمهوری اسلامی ایران

بلافاصله پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی، برخی دولت‌های غربی از طریق جوسازی رسانه‌ای علیه ایران به‌عنوان یک کشور بنیادگرای اسلامی که

قصد دارد بنیادگرایی را در منطقه گسترش دهد، پرداخته و مدعی شدند که ایران تلاش خواهد کرد دولت‌هایی اسلامی با الگوی خود را در منطقه به‌وجود آورد.<sup>(۱۴)</sup> اما واقعیت چیز دیگری بود، چنان‌که یکی از کارشناسان مسائل منطقه آسیای مرکزی گفته: "... تصویری از ایران آیت‌الله‌ها که دارای آرزوهای توسعه‌طلبانه است، عمدتاً توسط آمریکا و برخی تحلیلگران آنگلو ساکسون ایجاد شده است."<sup>(۱۵)</sup>

برخلاف ادعاهایی که رسانه‌های غربی بیان می‌کردند، سیاست ایران در منطقه بیش‌تر جهت‌گیری اقتصادی و فرهنگی داشت نه مذهبی و ایدئولوژیک به معنایی که توسط رسانه‌های غربی تبلیغ می‌شد. همان‌گونه که اریک هوگلند به خوبی بیان کرده "از پایان سال ۱۹۹۱ به بعد، سیاست ایران نسبت به دولت‌های جدید در آسیای مرکزی دارای دو مشخصه یعنی عدم مداخله در امور داخلی آن‌ها و گسترش همکاری دوجانبه اقتصادی بوده است."<sup>(۱۶)</sup> به این ترتیب، ایران به اتخاذ سیاستی بسیار معتدل و غیرمقابله‌گرایانه پرداخت و هدف خود را برقراری صلح و ثبات در منطقه اعلام نمود<sup>(۱۷)</sup> و در این راستا، به گسترش همکاری‌های اقتصادی با کشورهای منطقه پرداخت که تا حد زیادی نیز در این امر توفیق داشت.

### همکاری ایران در مسائل امنیتی تاجیکستان (صلح تاجیکستان)

جمهوری تاجیکستان که در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۹۱ از اتحادیه جماهیر شوروی سابق جدا شده و استقلال پیدا کرده بود تنها یک‌سال پس از استقلال به دلیل اختلافات سیاسی کمونیست‌ها و اتحاد مخالفان (مرکب از اسلام‌گرایان و دموکرات‌ها) و وجود رقابت‌های قومی و محلی درگیر جنگ‌های داخلی طولانی شد.

این جنگ‌ها با دخالت عوامل خارجی گسترش یافت؛ به‌طوری‌که جنگ

داخلی پنج سال یعنی از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ ادامه داشت و موجب کشته شدن بیش از پنجاه هزار نفر و آوارگی حدود یک میلیون نفر از مردم تاجیکستان شد و قدرت اقتصادی این کشور شش میلیون نفری به نصف کاهش یافت.<sup>(۱۸)</sup>

بحران تاجیکستان نه فقط از بُعد اقتصادی بلکه بیش تر به جهت دامنه وسیع خشونت و تخریب گسترده ناشی از جنگ داخلی در منطقه آسیای مرکزی مشهور شده است.

همکاری ایران در استقرار صلح و ثبات و ایجاد امنیت پایدار از طریق میانجی گری بین المللی و با هماهنگی سازمان ملل و دخالت کشورهای صاحب نفوذ منطقه هم چون روسیه با طی کردن سازوکاری بسیار پیچیده و از طریق مذاکرات سیاسی متعدد و چندجانبه یکی از مهم ترین دستاوردهای امنیتی ایران و تاجیکستان محسوب می گردد.

اولین دور مذاکرات صلح تاجیکستان با میانجی گری سازمان ملل متحد، ایران و روسیه از ۵ تا ۱۹ آوریل ۱۹۹۴ (۱۶ فروردین تا ۲ اردیبهشت سال ۱۳۷۳) در شهر مسکو برگزار شد.

مهم ترین دستاوردهای دور اول مذاکرات صلح تاجیکستان آن بود که طرفین درگیری های خونین تاجیکستان پذیرفتند برای حل و فصل اختلافات خود راه حل سیاسی را انتخاب کنند و از طریق مذاکره مسائل فی مابین را حل کنند.<sup>(۱۹)</sup>

در پی تلاش های میانجی گرانه نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل ایران و روسیه دور دوم مذاکرات صلح تاجیکستان در تهران از ۱۸ خرداد ماه تا ۷ تیر ماه ۱۳۷۳ (۹ تا ۲۸ ژوئن ۱۹۹۴) برگزار شد. در این دور از مذاکرات ایران، روسیه، افغانستان، پاکستان، قزاقستان، قرقیزستان و سازمان امنیت همکاری اروپا به عنوان ناظران صلح تاجیکستان نامیده شدند.

مهم ترین موضوع این دور از مذاکرات مسأله آتش بس و متوقف ساختن عملیات خصومت آمیز طرفین منازعه و رسیدن به یک توافق مشترک درباره



آتش‌بس بود.

سرانجام طرفین درباره آتش‌بس به جمع‌بندی ذیل رسیدند:

- ۱ - توقف کلیه عملیات نظامی و جنگی، عبور از مرز، تیراندازی از سوی دیگر مرز و مانور نظامی
- ۲ - قطع هرگونه عملیات تروریستی در داخل و خارج از کشور
- ۳ - اجازه ندادن به کشتار، گروگان‌گیری و بازداشت‌های غیر قانونی در داخل و خارج از کشور
- ۴ - عدم محاصره روستاها و قطع راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی.
- ۵ - عدم استفاده از رسانه‌های گروهی علیه روند آشتی ملی
- ۶ - عدم بهره‌گیری از دین ایدئولوژی در جهت تحریک مردم علیه طرف دیگر.

دور دوم مذاکرات صلح تاجیکستان در تهران علی‌رغم پیشرفت خوبی که به لحاظ تبیین دیدگاه‌های طرفین داشت، لیکن موافقت‌نامه آتش‌بس به دو علت به امضای طرفین نرسید؛ یکی، به‌خاطر سطح هیأت‌های مذاکره‌کننده که در این خصوص طرفین مذاکره‌کننده معتقد بودند امضاء موافقت‌نامه آتش‌بس باید در سطحی باشد که تضمین‌کننده اجرای آن باشد. دیگر این‌که اجرای کامل و هم‌زمان تمام مفاد آتش‌بس مورد نظر اُپوزیسیون بود، به این معنا که هم‌زمانی قطع عملیات جنگی با آزادی کلیه زندانیان جنگی که مورد قبول طرف حکومت نبود.

سرانجام با تلاش‌های مجدد سفیر جمهوری اسلامی ایران در دوشنبه و سفر عبدالمجید راستی یوف و حاج اکبر توره جان زاده به تهران در تاریخ ۲۱ شهریور ماه ۱۳۷۳ و با حضور پرزبالون نماینده دبیر کل و نمایندگان ایران و روسیه موافقت‌نامه آتش‌بس موقت و توقف هرگونه عملیات خصمانه در سرحد تاجیکستان - افغانستان و در داخل کشور تاجیکستان در تاریخ ۲۶ شهریور ۱۳۷۳

(۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴) به امضاء طرفین رسید.

این موافقت‌نامه که به نام «موافقت‌نامه تهران» مشهور گردید اساس و بنیان مهمی برای پیش‌برد مذاکرات صلح گردید و در اسناد مختلف مربوط به مذاکرات صلح به آن استناد شد و معیاری برای ارزیابی وفاداری طرفین منازعه برای حل و فصل سیاسی اختلافات گردید.

امضاء موافقت‌نامه تهران با استقبال شورای امنیت سازمان ملل متحد مواجه شد و رئیس شورای امنیت در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۴ آن را مورد استقبال قرار داد.<sup>(۲۰)</sup> علاوه بر دور دوم مذاکرات صلح تاجیکستان در تهران و مذاکرات مشورتی ۱۲ تا ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۴ که به امضاء موافقت‌نامه آتش‌بس انجامید، یکی دیگر از اقدامات میانجی‌گرانه ایران در خصوص پیش‌برد مذاکرات صلح ترتیب ملاقات بین رئیس‌جمهور تاجیکستان، امامعلی رحمان، و سید عبدالله نوری رهبر نیروهای آپوزیسیون در تهران بود.

امامعلی رحمان که از ۱۶ تا ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۵ به دعوت آقای هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور اسلامی ایران به تهران سفر کرده بود، با ابتکار آقای هاشمی با سید عبدالله نوری ملاقات کرده، درباره ضرورت سرعت بخشیدن به روند صلح مذاکره نمودند؛ نتیجه این ملاقات انتشار بیانیه مشترکی به امضاء امامعلی رحمان و سیدعبدالله نوری در ۲۸ تیرماه ۱۳۷۴ (۱۹ ژوئیه ۱۹۹۵) گردید. به‌طور کلی، می‌باید به این نکته اشاره نمود که زیر سیستم آسیای مرکزی، از جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای جمهوری اسلامی ایران حایز اهمیت است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- از ده عضو سازمان «اگو» چهار عضو آن در این منطقه قرار گرفته‌اند (ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و قرقیزستان).
- ناتو مایل به گسترش و نفوذ در آسیای مرکزی است و حضور نظامی آمریکا نیز از طریق برگزاری مانورهای مشترک نظامی با بعضی از کشورها

- باعث پیچیدگی شرایط این زیر سیستم گردیده است.
- از نظر فرهنگی و تمدنی این کشورها در حوزه تمدنی ایران قرار دارند و حتی تاجیکستان دارای اشتراک زبانی با ایران است.
- این حوزه در حال حاضر محل تلاقی سیاست‌های روسیه، آمریکا و چین و نیز نفوذ قدرت‌های محلی مانند عربستان سعودی، ترکیه و رژیم صهیونیستی با اهداف خاصی و با استفاده از روش‌های مختلف جهت بهره‌گیری از منابع و بازار مصرف آن قرار گرفته است.
- بحث ژئوپلیتیک لوله‌های نفتی و حمایت غرب از ترانزیت نفت از مسیر ترکمنستان، افغانستان و پاکستان جهت تضعیف ارزش ترانزیتی ایران علی‌رغم این‌که ایران ارزان‌ترین و مطمئن‌ترین و آسان‌ترین مسیر انتقال انرژی است. (۲۱)

با در نظر داشتن این جنبه‌ها، این تمایل و علاقه‌مندی در میان مسئولان جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت که از میان کشورهای آسیای مرکزی، با کشور تاجیکستان که دارای زبان فارسی مشترک و اشتراکات فرهنگی بیش‌تری نسبت به سایر کشورهای آسیای مرکزی با ایران است، به تقویت بیش‌تر روابط اقتصادی و فرهنگی بپردازند. از این‌رو، همگرایی اقتصادی و فرهنگی با تاجیکستان، به‌عنوان یکی از سیاست‌های اصلی ایران در آسیای مرکزی مطرح گردید.

### ج) همگرایی اقتصادی و فرهنگی ایران و تاجیکستان

بحث همگرایی با کشورهای آسیای میانه به‌ویژه کشور تاجیکستان به‌ثمر نخواهد نشست، مگر آن‌که مؤلفه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر همگرایی اقتصادی و فرهنگی ایران و تاجیکستان مورد شناسایی و تبیین قرار گیرد. در این راستا مباحث این بخش در قالب دو محور ارائه می‌شود که عبارتند از:

- ۱ - مؤلفه‌های تأثیرگذار بر همگرایی اقتصادی ایران و تاجیکستان  
 ۲ - عوامل مؤثر بر همگرایی فرهنگی ایران و تاجیکستان

### ۱- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر همگرایی اقتصادی ایران و تاجیکستان

حوزه اقتصادی یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که می‌تواند زمینه تقویت روابط و همکاری‌های دوجانبه میان ایران و تاجیکستان را فراهم کرده و دو کشور را به سمت همگرایی سوق دهد. در این راستا، شناخت مؤلفه‌ها و عواملی که می‌تواند زمینه این همگرایی را فراهم سازد، بیش از پیش ضروری می‌نماید. در نخستین سال‌های پس از استقلال تاجیکستان، رهایی از پیوندهای اقتصادی شوروی سابق مورد توجه رهبران این کشور واقع شد و به مرور همکاری‌های منطقه‌ای مورد توجه کشور تاجیکستان قرار گرفت. از این رو، اولین اقدامی که این کشور در جهت گسترش همکاری‌ها با کشورهای منطقه به‌ویژه ایران از خود نشان داد، عضویت تاجیکستان در سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۲ بود که به‌عنوان مهم‌ترین و گسترده‌ترین همکاری اقتصادی این کشور با ایران به‌شمار می‌آید. تقویت اگو و برطرف نمودن نقاط ضعف و آسیب‌های آن به‌منظور کارآیی بیش‌تر این سازمان می‌تواند به‌عنوان گامی مؤثر در تقویت روابط اقتصادی ایران با تاجیکستان و همگرایی اقتصادی آن‌ها مورد توجه قرار گیرد. از سوی دیگر، کشور تاجیکستان در چارچوب راهبرد «تنوع راه‌های دسترسی به بازارهای آزاد» مایل است روابط خود را با قدرت‌های منطقه‌ای گسترش دهد. تاجیکستان به‌عنوان صادرکننده‌ی طلا کشوری تک‌محصولی به‌شمار می‌رود که میزان اتکا به درآمد حاصل از این صادرات بسیار زیاد است.

1 - Economic cooperation rganization (E )

جایگاه حمل و نقل و تسهیلات ترانزیتی نیز در اقتصاد تاجیکستان بسیار مهم است.<sup>(۲۲)</sup> لذا اهمیت و نقش جمهوری اسلامی ایران از نقطه نظر ترانزیت و حمل و نقل کالا و مواد اولیه برای تاجیکستان که محصور در خشکی است، حایز اهمیت بوده و می‌تواند نقش مهمی در انتقال آن‌ها به بازارهای جهانی ایفا نماید؛ چرا که ایران کشوری است که به خاطر وسعت سرزمینی از مرزهای خشکی و آبی در حمل و نقل به‌ویژه در زمینه ترانزیت برخوردار است.<sup>(۲۳)</sup>

در این میان، بهره‌گیری از اشتراکات تاریخی دو کشور در استفاده از جاده ابریشم و لزوم پی‌گیری طرح‌هایی هم‌چون راه‌آهن سراسری آسیا، بزرگراه آسیایی و کریدور شمال - جنوب می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر همکاری ایران و تاجیکستان چه به صورت دوجانبه و چه در قالب سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و سازمان همکاری شانگهای<sup>۱</sup> مورد توجه مسئولان اقتصادی دو کشور قرار گیرد.

ایران، به دلیل قدرتمند بودن و در عین حال وجود اختلاف شدید بین جنبش‌های اسلامی در تاجیکستان، جهت ارتباط اقتصادی بیش‌تر، طرح صلح کلیه جناح‌ها را پیشنهاد نموده است؛<sup>(۲۴)</sup> چرا که از منظر جمهوری اسلامی ایران، تقویت روابط اقتصادی با تاجیکستان زمانی می‌تواند به همگرایی دو کشور منجر شود که بستری از امنیت و ثبات در بخش‌های مختلف اقتصادی تاجیکستان که در آن نمایندگان مختلف جناح‌های این کشور حضور دارند، برقرار باشد. افزون بر این، ایران اسلامی دریافته که عدم حمایت و جانبداری خاص از قومیت‌های مختلف در تاجیکستان می‌تواند به نفع کسب منافع اقتصادی باشد.<sup>(۲۵)</sup>

تقویت همکاری‌های اقتصادی میان ایران و تاجیکستان در قالب پی‌گیری

---

1 - Shanghai cooperation organization (S )

طرح‌هایی هم‌چون احداث تونل چارمغزک، موافقتنامه اتصال راه‌آهن دوشنبه - خجند و راه‌آهن راه ابریشم (که از کشورهای ایران و تاجیکستان می‌گذرد) و احداث راه‌آهن ناحیه «وحدت» به منطقه مرزی «وخش»، از جمله طرح‌هایی است که می‌تواند به‌عنوان گام‌هایی اساسی در جهت همگرایی دو کشور مورد توجه قرار گیرد. شایان ذکر است که در زمان حاضر، تونل انزاب، مرکز تاجیکستان را با نواحی شمال این کشور در تمام فصول پیوند داده است، ساخت تونل «چارمغزک» توسط ایران در جنوب تاجیکستان و احداث شاهراه وحدت تاجیکستان - افغانستان - ایران (دوشنبه - مزارشریف - تهران)، نیز می‌تواند به‌طور کامل دوشنبه پایتخت تاجیکستان را از بن‌بست فعلی خارج و ارتباط شمال و جنوب این کشور و کشورهای همسایه را تسهیل نماید. ساخت تونل انزاب ۱۸ سال پیش (سال ۱۹۸۹ میلادی) به‌خاطر بی‌سروسامانی اقتصادی در زمان فروپاشی شوروی متوقف شده بود، ولی با سرمایه‌گذاری ایران و تلاش مهندسان ایرانی شرکت «سابیر» اجرای این طرح به نتیجه رسید. (۲۶)

## ۲- عوامل مؤثر بر همگرایی فرهنگی ایران و تاجیکستان

از دیگر عرصه‌هایی که می‌تواند همگرایی میان دو کشور را موجب شود، حوزه فرهنگی است. فرهنگ همان سبک و شیوه زندگی است که بر پایه نظام فکری و ارزشی پا می‌گیرد و چارچوب زندگی فردی و جمعی را می‌سازد. دیرینگی و ابعاد فرهنگی ایران و تاجیکستان به عهد فرمانروایان هخامنشی و حتی پیش از آن می‌رسد. داریوش در کتیبه معروف نقش رستم در کنار دیگر سرزمین‌های وابسته به امپراتوری خود، از سرزمین سغد،<sup>۱</sup> به‌عنوان یکی از

1 - Soguda

شهرهای ایران یاد می‌کند. (۲۷)

در واقع، سرزمین سغد باستان که سرزمین کنونی تاجیکستان را در برمی‌گیرد، در زمان داریوش یکم به جزئی از امپراتوری هخامنشی تبدیل شد. پس از حمله اسکندر، تاجیکستان به ترتیب جزئی از امپراتوری‌های سلوکی، پارت، کوشان و ساسانی بوده است. در سال ۷۱۵ میلادی (در زمان امویان)، این سرزمین به تصرف مسلمین درآمد. در سده دهم میلادی، تاجیکستان جزئی از قلمرو سامانیان بود. پس از سامانیان، تاجیکستان به ترتیب جزئی از حکومت‌های غزنوی، سلجوقی، خوارزمشاهی، مغول، تیموری و ازبک بوده است. در سده نوزدهم میلادی، شمال تاجیکستان (خجند) جزئی از خانات خوقند و جنوب تاجیکستان جزئی از خانات بخارا بوده است. خانات بخارا در سال ۱۸۶۶، و خانات خوقند در سال ۱۸۶۸، زیر سلطه روسیه درآمدند. پس از انقلاب اکتبر، در سال ۱۹۲۸، جمهوری سوسیالیستی شوروی تاجیکستان (جزئی از اتحاد جماهیر شوروی) تشکیل شد. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در سال ۱۹۹۱، تاجیکستان به استقلال دست یافت. (۲۸)

توسعه روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران با تاجیکستان از اولین روزهای استقلال این کشور در دستور کار مسئولین ایران قرار گرفت و ایران نخستین کشوری بود که استقلال این کشور را به رسمیت شناخت و متعاقب آن روابط دیپلماتیک خود را با آن برقرار و اقدام به تأسیس نمایندگی فرهنگی در تاجیکستان نمود.

اعتقاد به دین اسلام، قرابت جغرافیایی، اشتراکات تاریخی - فرهنگی، گویش به زبان فارسی و... به عنوان مهم‌ترین عواملی هستند که می‌توانند موجب همگرایی بین ایران و تاجیکستان در حوزه فرهنگی شوند و زمینه گسترش تفاهم و دوستی بین این کشور و جمهوری اسلامی ایران را فراهم کنند. در مقابل، تقابل اسلام شیعی ایران با اسلام سنی، نظام حکومتی سکولار تاجیکستان، طرح ایجاد

یک اتحاد میان کشورهای قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان (که کشورهای ترک زبان هستند) تبلیغات وسیع ضد ج.ا.ا از سوی کشورهای فرامنطقه‌ای مانند ترکیه، عربستان سعودی و آمریکا را نیز باید از مهم‌ترین عوامل واگرایی ایران و تاجیکستان در حوزه فرهنگی به‌شمار آورد.<sup>(۲۹)</sup>

در عین حال، شاهد تلاش‌هایی از سوی جمهوری اسلامی ایران می‌باشیم که در جهت تحقق تحکیم روابط با تاجیکستان گام‌های چشم‌گیری برداشته می‌شود. کوشش‌هایی در جهت برپایی همایش‌ها، گردهمایی کشورهای فارسی‌زبان و یکپارچه‌سازی نشانه‌های نگارش، انتخاب اصطلاحات فارسی به‌جای نوع فرنگی آن، اجباری کردن اصطلاحات تصویب‌شده از سوی فرهنگستان ایران و نشر واژه‌نامه تاجیکی در ایران از این جمله است. هم‌چنین فعالیت‌های شخصیت‌های نامدار قلمرو زبان فارسی از یک‌سو و ایجاد سایت‌های رایانه‌ای که هدفشان تقویت زبان فارسی است. در صورتی که مجموعه این تلاش‌ها از سوی نهاد فارسی‌زبانان جهان بایک راهبرد کارشناسانه سمت‌وسو داده شود، می‌تواند به‌عنوان عوامل مؤثر در جهت همگرایی فرهنگی دو کشور، بسیار مفید و سازنده باشد.<sup>(۳۰)</sup> افزون بر این، آموزش زبان فارسی در تاجیکستان و هم‌چنین تهیه برنامه مشخص در زمینه تبادل دانشجو و استادان دانشگاه‌ها و مراکز علمی ایران و تاجیکستان، تأسیس موزه ایران‌شناسی، تأسیس دفتر ویژه تدوین کتب درسی در ایران و تاجیکستان برای علاقه‌مندان آموزش زبان و ادبیات فارسی در سراسر جهان، پی‌گیری پیشنهاد پذیرش زبان فارسی در ردیف یک از زبان‌های یونسکو (با توجه به جمعیت ۲۰۰ میلیون نفری فارسی‌زبانان در سراسر جهان) و...، از جمله مؤلفه‌های مؤثر فرهنگی است که می‌تواند زمینه‌ساز همگرایی دو کشور شود.



### پی‌نوشت

- 1 – Zanny M. Beddoes, “A Survey of Central Asia: A Caspian Gamble”, The Economist, vol. 346, no. 8054 (February 7, 1998).
- ۲ – امیرمحمد حاجی یوسفی، “سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای (۲۰۰۱-۱۹۹۱)”， دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹.
- ۳ – اسد شکورپور، “تلاش قدرت‌های بزرگ برای تسلط بر انرژی خزر”， روزنامه اعتماد، ۱۳۸۶/۶/۳۱.
- ۴ – همان.
- ۵ – اصطلاح «بازی بزرگ» (The Great Game)، برای توصیف رقابت‌های روسیه و انگلستان برای تسلط بر آسیای مرکزی در قرن نوزدهم به کار رفته است (به نقل از: غلامرضا علی‌بابایی، فرهنگ روابط بین‌الملل، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، بهار ۱۳۸۳، ص ۳۹).
- ۶ – الهه کولایی، “تحول در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه”， فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۷۶، ص ۱۳۲.
- 7 – Gail Lapidus, “Central Asia in Russian and American Foreign Policy after September 11, 2001”, <http://Socrates.berkeley.edu/~isees/>.
- ۸ – از این تعداد حدود ۶/۱۲ میلیون نفر در قزاقستان، ۱/۶ میلیون نفر در ازبکستان، ۸۸ هزار نفر در قرقیزستان، ۳۵ هزار نفر در تاجیکستان و ۳۶ هزار نفر در ترکمنستان اقامت دارند.
- ۹ – حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی، “منافع ملی آمریکا در آسیای مرکزی در رقابت با روسیه”， فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۹، بهار ۱۳۷۹، صص ۶۸ – ۶۵.
- 10 – Sergo Mikoyan, “Russia, the US and Regional Conflict in Eurasia”, Survival, vol. 40, no.3, Autumn 1998.

- 11 – Sabri Sayari, *“Turkish Foreign Policy in the Post-Cold War Era: The Challenges of Multiregionalism”*, Journal of International Affairs, 54,1 (2000).
- 12 – Robert Ison, *Turkey's Relations with Iran, Syria, and Russia, 1991-2000: The Kurdish and Islamic Questions* (California: Mazda Publishers, 2001), p.1.
- ۱۳ – محمدجواد امیدوارنیا، *“ملاحظات امنیتی چین در آسیای مرکزی”*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، تابستان ۱۳۷۷.
- 14 – *The Middle East* (London), February 1993, p. 36.
- 15 – Valeria Piacentini, *“Islam: Iranian and Saudi Arabian Religious and Geopolitical Competition in Central Asia”*, in A. Ehteshaami (ed.), *From the Gulf to Central Asia: Players in the New Great Game* (Exeter: University of Exeter Press, 1994), p.40.
- 16 – Eric Hooglund, *“Iran and Central Asia”*, in A. Ehteshami (ed.), *From the Gulf to Central Asia: Players in the New Great Game* (Exeter: University of Exeter Press, 1994), p. 124.
- ۱۷ – اولیویه روا، *“سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی”*، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۶، زمستان ۱۳۸۰، و مهرداد محسنین، *“روابط ایران با آسیای مرکزی و قفقاز”*، فصلنامه سیاست خارجی، بهار ۱۳۷۴، صص ۱۸۱ – ۱۷۴.
- ۱۸ – استرید فن برکه، *“جنگ داخلی تاجیکستان”*، ترجمه لادن مختاری و علی رحمانی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه ص ۱۴.
- ۱۹ – موسوی، سید رسول، *“صلح تاجیکستان”*، دفتر مطالعات وزارت خارجه، ۱۳۸۲ ص ۲۰۴
- ۲۰ – سند شماره ۵۲ / ۱۹۹۴ / PRST / سازمان ملل متحد.
- ۲۱ – علی دژمان، *«در اولویت‌های منطقه‌ای ایران» در سند چشم‌انداز بیست ساله نظام»*، صبح صادق، ۱۳۸۶/۸/۲۳.
- ۲۲ – ماهنامه گزارش (ماهنامه سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - علمی)، سال هفدهم، شماره ۱۹۱، مهر ۱۳۸۶ (www.gozaresh.com).
- ۲۳ – جواد اطاعت، *“ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران”*، نشر انتخاب، تهران، ۱۳۸۵، صص ۳۵-۴۰.
- ۲۴ – علیرضا محرابی، *“ژئوپلیتیک و تحول اندیشه حکومت در ایران”*، نشر انتخاب، تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴.
- 25 – Hanna Yousif Freij, *“State Interest Vs The Umma: Iranian Policy in Central Asia”*, Middle East Journal, Vol. 50, No. 1, Winter 1996, p.p. 71, 83.

۲۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶/۸/۱۹ و وبسایت مؤسسه مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز (ایراس)، ۱۳۸۵/۸/۲۴ (WWW.IRAS.IR).

۲۷ - ماهنامه گزارش (ماهنامه سیاسی - اجتماعی - اقتصادی - علمی)، سال هفدهم، شماره ۱۹۱، مهر ۱۳۸۶ (www.gozaresh.com).

28 - <http://fa.wikipedia.org/wiki>.

29 - <http://tajikam.com/forums/showthead.php?t=326>.

۳۰ - مهین صمدی، "زبان فارسی در تاجیکستان"، موجود در پایگاه اینترنتی (http://www.ariarman.com).

